

۱ جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) استعداد در مکتب حکمت متعالیه تضمین به رسیدن به آن نیست.
ب) سبک زندگی افراد باعث شدن ظرفیت‌های او می‌شود.
ج) منادی کودک برای رهایی از سرزمین غربت است. (مثال سهروردی)

۲ جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) انسان تا آنجایی که دیگر در نمی‌آید می‌تواند برود. (شعر مولوی)
ب) شدن ظرفیت‌های وجودی انسان بستگی به سبک زندگی او دارد.
ج) رفتار اهالی مغرب با آن کودک بود. (در مثال سهروردی)

۳ جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) پس از مرگ مادی انسان باعث تبدیل او به برتر از می‌شود. (شعر مولوی)
ب) همه‌ی ظرفیت‌ها درون انسان به صورت وجود دارد.
ج) اهالی سرزمین کودک را به اسارت گرفتند. (در مثال سهروردی)

۴ جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) بعد از مرحله حیوان بودن انسان به تبدیل می‌شود. (شعر مولوی)
ب) در ابتدای زندگی هر انسانی معلوم نیست چه خواهد داشت.
ج) نام قصیده عربی ابن‌سینا است.

۵ جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) در بیان مولوی انسان با هرگز کم نمی‌شود.
ب) شباهت بین مکتب حکمت متعالیه و مکتب وجود دارد.
ج) در مثال سهروردی کودکی دور افتاده منظور است.

۶ جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) بعد از مرحله نما انسان تبدیل به می‌شود. (شعر مثنوی)
ب) به جز مسیر تکامل در مسیرهای دیگری رفت.
ج) حتی اگر انسان در هم معلق باشد باز به خود آگاهی دارد.

۷ جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) بعد از مرحله جمادی است.
ب) انسان برگزیدن مسیرهای دیگری را نیز دارد.
ج) درک بدن و حس خود نشانه‌ای از بدون واسطه است. (ابن‌سینا)

۸ جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) مولوی در بیان تکامل شعرهایی سروده است.
ب) مسیر به سمت خدا باید از سوی انسان باشد.
ج) قفس در شعر مولانا یعنی فانی.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) است که به هیچ درجه‌ای از کمال قانع نمی‌شود.
ب) تکامل مسیر به سمت خدا با و برمی‌آید.
ج) مرغ باغ ملکوت همان نفس انسان است. (مولانا)

جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) هراتفاقی در بیافتد در تأثیر می‌گذارد. (ملاصدرا)
ب) درجه تکامل روح انسانی است. (ملاصدرا)
ج) سایه از نظر مولانا یعنی

جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) موجودات آخرین مرحله‌ای که در تکامل می‌توانند به آن برسند روح است.
ب) ظرفیت روح انسان ندارد. (ملاصدرا)
ج) روح می‌تواند به از کمال برسد.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) در تکامل و گذر از و به انسان که مظهر کمال است می‌رسیم.
ب) انسان باید با و خود ظرفیت وجودی‌اش را به کمال برساند.
ج) در شعرهای مولانا منظور از فرع آدمی است.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) کتاب «قصه الغریبه الغریبه» کتابی است از
ب) حکمت متعالیه مربوط به است.
ج) در حکمت متعالیه حقیقت دارد.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) براساس روح ضمیمه بدن نیست.
ب) روح نتیجه و بدن است. (براساس مکتب ملاصدرا)
ج) کلیات علوم انسانی کتابی از است.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) از نظر ملاصدرا و دو چیز مجزا نیستند.
ب) وحدتی بین عناصر وجودی انسانی برقرار است.
ج) باطن همان و ظاهر است.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) دلیل وجود ظلمت در موجودات نبودنشان است.
ب) رشد نفس باعث رشد در انسان می‌شود. (شیخ اشراق)
ج) حقایق هستی با بیش‌تر از سمت باطن انسان دریافت می‌شود.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) کسب یکی از لزومات طی مسیر کمال است.
ب) خداوند یا همان نورالانوار عالم است.
ج) انوار ، پس از خداوند طلوع می‌کند.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.
الف) ترین حد نور همان مغرب خداست.
ب) سهروردی نفس را مربوط به عالم می‌دانند.
ج) نفس برگشت به اصل مشرق است.

جاهای خالی زیر را پر کنید.
 الف) شیخ اشراق به جای مفهوم وجود از مفهوم استفاده کرده است.
 ب) اعتقاد شیخ اشراق بر این بود که هستی مراتب است.
 ج) شیخ اشراق معتقد به این بود که خداوند محض است.

جاهای خالی زیر را پر کنید.
 الف) هیچ در خداوند راه ندارد. (شیخ اشراق)
 ب) یکی از القاب خداوند که مرتبط با نور است است.
 ج) سایه هستی نور خود را از خداوند دریافت می‌کند.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.
 الف) موجودات از نور و ظلمت هستند. (شیخ اشراق)
 ب) از عقیده شیخ اشراق قسمت نورانی انسان اوست.
 ج) از عقیده شیخ اشراق قسمت ظلمانی انسان اوست.

جاهای خالی زیر را پر کنید.
 الف) از نظر ابن‌سینا آگاهی انسان نسبت بی‌واسطه است.
 ب) از نظر ابن‌سینا چون می‌بینم و خاطراتم را به یاد می‌آورم پس
 ج) از نظر ابن‌سینا اگر وابسته به هیچ فضایی نیز نباشیم باز هم به خود داریم.

جاهای خالی زیر را پر کنید.
 الف) به ابیات آغازی مثنوی معنوی می‌گویند.
 ب) از نظر شیخ اشراق نفس نورانی است.
 ج) شیخ اشراق یک الی‌الله نیز محسوب می‌شود.

جاهای خالی زیر را پر کنید.
 الف) شیخ اشراق با از الهامات و اثرات معنوی بسیاری از حقایق را درک کرد.
 ب) درونی یکی از مواردی بود که شیخ اشراق از آن استفاده می‌کرد.
 ج) تلاش شیخ اشراق برای بیان به زبان فلسفه است.

جاهای خالی زیر را با عبارت مناسب پر کنید.
 الف) از نظر قرآن هدیه‌ای الهی و غیرزمینی است.
 ب) از نظر قرآن انسان موجودی است که خلیفه خداست.
 ج) از نظر قرآن انسان مسجود محسوب شده است.

جاهای خالی زیر را پر کنید.
 الف) فلاسفه مسلمان معمولاً یا خود عارف بودند یا عارفانی می‌شناختند که با معنوی از بدن رهیده بودند.
 ب) حال و هوای و زمان فلاسفه مسلمان در صحبت‌هایشان خیلی مؤثر بود.
 ج) ابن‌سینا نظر را درباره حقیقت انسان برگزید.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.
 الف) ابن‌سینا به زبان قصیده‌ای در وصف روح دارد.
 ب) بیان ابن‌سینا در وصف روح یک بیان است.
 ج) از نظر ابن‌سینا انسان خود را می‌یابد.

به نظر شما کدام دیدگاه حقیقت و چستی انسان را بهتری بیان کرده است؟ دلیل شما چیست؟

دیدگاه فلاسفه‌ی اسلامی درباره انسان را با نظرات مختلف در معرفت‌شناسی مطابقت دهید و بگویید نظر این فلاسفه با کدام دیدگاه در معرفت‌شناسی نزدیکی بیش‌تر دارد؟

جاهای خالی زیر را کامل کنید.

- الف) آزادی و کرامت و بخشندگی صفاتی است که فلاسفه مسلمان برای انسان به کار برده‌اند.
ب) فلاسفه‌ها و دین را قبول کرده‌اند.
ج) در کتاب آسمانی فلاسفه مسلمان صراحت درباره «.....» بحث شده است.

- ۱ الف) استعداد در مکتب حکمت متعالیه تضمین حتمی به رسیدن به آن نیست.
 ب) سبک زندگی افراد باعث بالفعل شدن ظرفیت‌های او می‌شود.
 ج) منادی کودک برای رهایی از سرزمین غربت پرنده‌ای از جانب شریق است. (مثال سهروردی)
- ۲ الف) انسان تا آنجایی که دیگر در وهم نمی‌آید می‌تواند برود. (شعر مولوی)
 ب) بالفعل شدن ظرفیت‌های وجودی انسان بستگی به سبک زندگی او دارد.
 ج) رفتار اهالی مغرب با آن کودک به زنجیر کشیدن بود. (در مثال سهروردی)
- ۳ الف) پس از مرگ مادی انسان باعث تبدیل او به برتر از ملائک می‌شود. (شعر مولوی)
 ب) همه‌ی ظرفیت‌ها درون انسان به صورت بالقوه وجود دارد.
 ج) اهالی سرزمین مغرب کودک را به اسارت گرفتند. (در مثال سهروردی)
- ۴ الف) بعد از مرحله حیوان بودن انسان به آدم تبدیل می‌شود. (شعر مولوی)
 ب) در ابتدای زندگی هر انسانی معلوم نیست چه هویتی خواهد داشت.
 ج) نام قصیده عربی ابن‌سینا عینیة است.
- ۵ الف) در بیان مولوی انسان با بردن هرگز کم نمی‌شود.
 ب) شباهت بین مکتب حکمت متعالیه و مکتب اگزیستانسیالیست‌ها وجود دارد.
 ج) در مثال سهروردی کودکی دور افتاده منظور نفس است.
- ۶ الف) بعد از مرحله نما انسان تبدیل به حیوان می‌شود. (شعر مثنوی)
 ب) به جز مسیر تکامل در مسیرهای دیگری می‌توان رفت.
 ج) حتی اگر انسان در فضا هم معلق باشد باز به خود آگاهی دارد.
- ۷ الف) بعد از مرحله جمادی، نامی است.
 ب) انسان اختیار برگزیدن مسیرهای دیگری را نیز دارد.
 ج) درک بدن و حس خود نشانه‌ای از وجود بدون واسطه است. (ابن‌سینا)
- ۸ الف) مولوی در توصیف بیان تکامل شعرهایی سروده است.
 ب) انتخاب مسیر به سمت خدا باید از سوی انسان باشد.
 ج) قفس در شعر مولانا یعنی بدن فانی.
- ۹ الف) انسان است که به هیچ درجه‌ای از کمال قانع نمی‌شود.
 ب) تکامل مسیر به سمت خدا با ایمان و عمل برمی‌آید.
 ج) مرغ باغ ملکوت همان نفس جاویدان انسان است. (مولانا)
- ۱۰ الف) هراتفاقی در بدن بیافتد در روح تأثیر می‌گذارد. (ملاصدرا)
 ب) آخرین درجه تکامل روح انسانی است. (ملاصدرا)
 ج) سایه از نظر مولانا یعنی جهان فانی.

۱۱

الف) موجودات زنده آخرین مرحله‌ای که در تکامل می‌توانند به آن برسند روح است.
 ب) ظرفیت روح انسان پایان ندارد. (ملاصدرا)
 ج) روح می‌تواند به هر درجه‌ای از کمال برسد.

۱۲

الف) در تکامل و گذر از حیوانات و گیاهان به انسان که مظهر کمال است می‌رسیم.
 ب) انسان باید با اختیار و اراده خود ظرفیت وجودی‌اش را به کمال برساند.
 ج) در شعرهای مولانا منظور از فرع نفیس آدمی است.

۱۳

الف) کتاب «قصه الغره الغربیه» کتابی است از سهروردی.
 ب) حکمت متعالیه مربوط به ملاصدرا است.
 ج) در حکمت متعالیه حقیقت دو بعد دارد.

۱۴

الف) براساس حکمت متعالیه روح ضمیمه بدن نیست.
 ب) روح نتیجه تکامل و رشد بدن است. (براساس مکتب ملاصدرا)
 ج) کلیات علوم انسانی کتابی از شهید مطهری است.

۱۵

الف) از نظر ملاصدرا روح و بدن دو چیز مجزا نیستند.
 ب) وحدتی حقیقی بین عناصر وجودی انسانی برقرار است.
 ج) باطن همان نفیس و ظاهر جسیم است.

۱۶

الف) دلیل وجود ظلمت در موجودات نورالانوار نبودنشان است.
 ب) رشد نفس باعث رشد نور در انسان می‌شود. (شیخ اشراق)
 ج) حقایق هستی با نور بیش‌تر از سمت باطن انسان دریافت می‌شود.

۱۷

الف) کسب لیاقت و شایستگی یکی از لزومات طی مسیر کمال است.
 ب) خداوند یا همان نورالانوار مشرق عالم است.
 ج) انوار بعدی، پس از خداوند طلوع می‌کند.

۱۸

الف) پایین‌ترین حد نور همان مغرب خداست.
 ب) سهروردی نفس را مربوط به مشرق عالم می‌داند.
 ج) نفس مشتاق برگشت به اصل مشرق است.

۱۹

الف) شیخ اشراق به جای مفهوم وجود از مفهوم نور استفاده کرده است.
 ب) اعتقاد شیخ اشراق بر این بود که هستی مراتب نور است.
 ج) شیخ اشراق معتقد به این بود که خداوند نور محض است.

۲۰

الف) هیچ ظلمتی در خداوند راه ندارد. (شیخ اشراق)
 ب) یکی از القاب خداوند که مرتبط با نور است نورالانوار است.
 ج) سابه مراتب هستی نور خود را از خداوند دریافت می‌کنند.

الف) موجودات ترکیبی از نور و ظلمت هستند. (شیخ اشراق)
 ب) از عقیده شیخ اشراق قسمت نورانی انسان نفس اوست.
 ج) از عقیده شیخ اشراق قسمت ظلمانی انسان جسم اوست.

الف) از نظر ابن سینا آگاهی انسان نسبت خود بی واسطه است.
 ب) از نظر ابن سینا چون می بینم و خاطراتم را به یاد می آورم پس هستیم.
 ج) از نظر ابن سینا اگر وابسته به هیچ فضایی نیز نباشیم باز هم به خود آگاهی داریم.

الف) بی نامه به ابیات آغازی مثنوی معنوی می گویند.
 ب) از نظر شیخ اشراق نفس حقیقی نورانی است.
 ج) شیخ اشراق یک سالک الی الله نیز محسوب می شود.

الف) شیخ اشراق با بهره مندی از الهامات و اثرات معنوی بسیاری از حقایق را درک کرد.
 ب) شهود درونی یکی از مواردی بود که شیخ اشراق از آن استفاده می کرد.
 ج) تلاش شیخ اشراق برای بیان شهود به زبان فلسفه است.

الف) از نظر قرآن روح هدیه ای الهی و غیرزمینی است.
 ب) از نظر قرآن انسان موجودی چاویدان است که خلیفه خداست.
 ج) از نظر قرآن انسان مسجود فرشتگان محسوب شده است.

الف) فلاسفه مسلمان معمولاً یا خود عارف بودند یا عارفانی می شناختند که با سلوک معنوی از بدن رهیده بودند.
 ب) حال و هوای فکری و فرهنگی زمان فلاسفه مسلمان در صحبت هایشان خیلی مؤثر بود.
 ج) ابن سینا نظر ارسطو را درباره حقیقت انسان برگزید.

الف) ابن سینا به زبان عربی قصیده ای در وصف روح دارد.
 ب) بیان ابن سینا در وصف روح یک بیان تمثیلی است.
 ج) از نظر ابن سینا انسان بی واسطه خود را می یابد.

الف) آزادی و کرامت انسانی و بخشنده است که فلاسفه مسلمان برای انسان به کار برده اند.
 ب) فلاسفه ها تفکر و تعمق دین را قبول کرده اند.
 ج) در کتاب آسمانی فلاسفه مسلمان صراحت درباره «روح» بحث شده است.